جلسه 7

اگر امام جماعت بالغ نباشد یا عقل نداشته باشد یا زنا زاده باشد...آیا نماز مامومین باطل است یا صحیح؟

وجه اول: ظاهر از ادله بطلان می باشد.

وجه دوم: احتمال دارد نماز صحیح باشد و نماز جماعت اجتزاء کند؛ چرا که بناء شارع مسامحه بوده است، یعنی شارع مقدس از مکلف واقع را نمی خواسته و مسامحه کرده است. کطهاره المولد التی یمکن دعوی انه یستفاد من ادله الشرعیه الاجتزاء

الولد للفراش اولاد برای شخصی است که مسلمان است لذا ظاهرا حکم به حلال زادگی او می شود بنابراین احکام بر او بار می شود چرا که بناء اسلام در مولد، طهارت می باشد و طهارت واقعی را لحاظ نکرده است پس نماز جماعت با امامت او صحیح است.

وجه سوم تفصیل: اگر وقت نماز باقی باشد نماز را اعاده می کند ولی در خارج از وقت اعاده لازم نیست.

چرا که شک می کند آیا نمازش با این نماز جماعت ساقط شده است، اصل استصحاب جاری می کند.ولی اگر در خارج وقت کشف شود امام جماعت شوط را ندارد، اصل اجتزاء نماز جماعت می باشد و اعاده لازم نیست، چرا که شک می کند در که آیا نماز جماعت اسقاط نماز می کند، اصالت صحت جاری می کند.

وجه چهارم تفصیل : اگر در شرط صحت نماز مثل عقل، کشف کند که امام جماعت عاقل نبوده، حکمش مثل موردی است که کشف کفر او شده، اعاده ندارد اما اگر کشف کند که شرط امامت را نداشته مثل اینکه حلال زاده نبوده، نماز ماموم نیاز به اعاده دارد.

احتمال پنجم: نماز مامومین صحیح است و نیاز به اعاده نمی باشد، چرا که امتثال ظاهری کفایت می کند و مورد کفر و فسق و عدم طهارت مذکور در روایت از باب مثال بوده است؛ چرا که همه این شرائط یا مساوی با کفر و فسق و عدم طهارت است یا از طریق اولویت می باشد. از طرفی اشعاری در تعلیل صحیحه زراره می باشد - محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن علي بن حديد، عن جميل، عن زرارة قال: سألت أحدهما (عليهما السلام) عن رجل صلى بقوم ركعتين فأخبرهم أنه لم يكن على وضوء؟ قال: يتم القوم صلاتهم فإنه ليس على الامام ضمان[[1]](#footnote-1). امام جماعت ضامن قرائت نیست و پس هرچه امام آورده است کفایت می کند.مثل اینکه امام جماعت قرائت را فراموش می کند وبه رکوع می رود نمازش صحیح است و او ضامن قرائت نیست.

هذا هو لوجوه الخمسه ذکره الصاحب الجواهر.

صاحب جواهر وجه اول را می پذیرد ( یعنی نماز مامومینین باطل است) البته ازباب حکم اولیه باطل می باشد. زیرا باید احراز شود که تکلیف انجام شده و نص و دلیلی هم نداریم برای تصحیح نماز مامومین، پس این نماز باطل است طبق حکم اولیه.

نعم يحتمل الاجزاء في الموضوع المعلوم عدم بناء الشارع فيه على الواقع ، كطهارة المولد التي يمكن دعوى أنه يستفاد من الأدلة الشرعية الاجتزاء بظاهر الفراش عن سائر الأحكام المرتبة عليه سما في المقام بعد خروج الوقت ، لعدم صدق اسم الفوات أو الشك فيه ، بل يمكن التفصيل بذلك في غيره من الأمور المذكورة أيضا ، فيعيد لو تبين الخطأ في الوقت ، ولا يعيد لو كان في خارجه ، كما أنه يمكن الفرق فيها بين ما كان منها شرطا لصحة الصلاة كالعقل وبين ما هو شرط للإمامة كطهارة المولد ونحوه ، فيلحق الأول بالكفر بخلاف الثاني ، بل يمكن إلحاق الجميع بالكفر بعد حمله في النص والفتوى على المثالية ، للمساواة أو الأولوية ، ولا شعار التعليل في صحيح زرارة السابق للإعادة [١] بعدم ضمان الامام بذلك ، إذ المراد منه على الظاهر أن الامام غير ضامن لصلاة المأموم ، وأنه لا مدخلية لصلاته في صلاته ، بل هو مكلف بها تماما ، ولم يفت منه شي‌ء منها بسبب المأمومية عدا القراءة التي تسقط للغفلة والنسيان ونحوهما ، وفساد الائتمام قد لا يورث فسادا في الصلاة كما في الكفر والفسق والحدث والموت وغيرها مما يحدث في الأثناء أو ينكشف سبقه ، لكن الأحوط الأول في العبادة التوقيفية التي اشتغلت الذمة فيها بيقين ، بل لعله من ذلك وغيره مما عرفت كان هو الأقوى ، فتأمل.[[2]](#footnote-2)

حاج آقا رضا همدانی: نماز در این فرض که شروط غیر مذکور در روایت رعایت نشده ، نباید اعاده شود.

دلیل طبق حدیث لاتعاد عمل می کنیم.

صاحب جواهر: این فرض با حدیث لاتعاد تصحیح نمی شود چرا که عمومیت در این فروض ندارد لذا نمی توان به لاتعاد تمسک کرد در این فروض؛ بیان شیخ انصاری رحمه الله: هر جا که در شرائط نماز باشد لاتعاد نیامده است لذا نماز باید اعاده شود اما هر جا اجزاء نماز باشد لاتعاد می آید.

نعم قد يتجه الالتزام بنفي الإعادة في مثل هذه الموارد أيضا بمقتضى عموم خبر لا تعاد ولكن قد يشكل ذلك بعدم تعويل الأصحاب على هذا العموم في هذا الباب كما يظهر ذلك من حكمهم بإعادة الصلاة فيما لو صلى خلف شخص بزعم كونه زيدا فبان انه عمرو كما عرفته فيما سبق فكان سره ان الأصحاب رضوان الله عليهم لم يعلموا بهذا العام بالنسبة إلى شرائط الصلاة وخصوه بأجزائها كما نبه عليه شيخنا المرتضى رحمه الله وتعجب من ذلك حيث إن الرواية بمقتضى ما فيها من استثناء الوقت والطهور كالنص في شمولها للشرائط.[[3]](#footnote-3)

1. [الفروع من الكافي، الشيخ الكليني، ج3، ص378.](http://lib.eshia.ir/11026/3/378/ضمان) [↑](#footnote-ref-1)
2. [جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج14، ص10.](http://lib.eshia.ir/10088/14/10/فراش) [↑](#footnote-ref-2)
3. [مصباح الفقيه - ط.ق، الهمداني، آقا رضا، ج2، ص691.](http://lib.eshia.ir/10192/2/691/تعویل) [↑](#footnote-ref-3)